دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت علی (علیه السّلام) - 26 /تیر/ 1387

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم
میلاد سعید حضرت امیرالمؤمنین، علی بن ابیطالب (علیه الصّلاة و السّلام) را - که یکی از برجسته ترین روزهای ماه پربرکت رجب محسوب میشود - به شما برادران عزیز، خواهران عزیز و به همه ی مسلمین عالم که برای امیرالمؤمنین (علیه السّلام) شأن والائی قائل هستند و همچنین به همه ی مظلومان عالم، آزادگان عالم و عدالت جویان عالم که آوازه ی عدل علی به گوششان رسیده است، تبریك عرض میکنم و از خداوند متعال مسئلت میکنیم که ما را به معنای واقعی کلمه، شیعه ی امیرالمؤمنین و تابع امیرالمؤمنین قرار بدهد.
یك جمله در باب بزرگداشت این میلاد معظّم عرض بکنم. خصوصیات امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام): آن برجستگی و درخشندگیِ ایمان ناب امیرالمؤمنین، آن جهاد دشوار و سختی که آن بزرگوار - از اول دوران اسلام تا آخر عمر - خود آن را بر دوش کشید، آن عدالت ورزیِ بی نظیر - که تا امروز هم نه فقط مسلمانان، بلکه آگاهان غیرمسلمان را هم مجذوب خود کرده است - آن عبادت خالصانه ی متضرعانه ی بی نظیر آن بزرگوار و بقیه ی صفات برجسته ای که در امیرالمؤمنین هست، چیزهائی نیست که مسلمانان - از هر فرقه و مذهبی - در آن اختلاف داشته باشند.
امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) شخصیتی است که همه ی فرق اسلامی درباره ی عظمت او، درباره ی خصوصیات او و درباره ی شأن و منزلت والای او در اسلام، با یکدیگر اتفاق نظر دارند. لذا به جرأت میتوان گفت که علی بن ابیطالب (علیه الصّلاة و السّلام)، میتواند نقطه ی اشتراك و تلائم و همبستگی میان فِرق اسلامی قرار بگیرد. در همه ی زمانها و دوره ها، فرقه های اسلامی - به جز گروه ناچیز و اندك نواصب که خارج از فِرق اسلامی هستند - شأن امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) را همان شأن والا و برجسته و ممتازی میدانستند که شما در کتابهای فریقین - چه شیعه و چه سنی - ملاحظه میکنید. بنابراین امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) ملتقی و محل اشتراك فرقه های اسلامی است و میتواند منبعی برای وحدت بین مسلمین به حساب بیاید.
این امروز برای دنیای اسلام مورد نیاز است. امروز که دشمنان اسلام - که نه طرفدار این فرقه و نه طرفدار فرقه ی دیگر نیستند ؛ گاهی از یك فرقه ای به ضرر فرقه ی دیگر حمایت می کنند، گاهی هم عکس آن عمل می کنند - دنبال ایجاد افتراق و شکاف بین مسلمانها هستند و در یك چنین دورانی که مسلمانها به وحدت و یکدلی احتیاج مبرمی دارند، امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) میتواند مظهر این وحدت باشد ؛ نقطه ای باشد که همه ی مسلمانها در مقابل آن نقطه، مذعن و معترف و مقرّند. هیچ طرفی نمیتواند ادعا کند که امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) متعلق به اوست. خب، ما شیعیان در زیارت جامعه میگوئیم: «معروفین بتصدیقنا ایّاکم» ؛ ما معروفیم به ارادت و علاقه و عشق به امیرالمؤمنین و خاندان پیغمبر ؛ لکن نمیتوانیم ادعا کنیم که امیرالمؤمنین فقط متعلق به ماست. نه، همه ی مسلمانهای عالَم - از فرقه های مختلف - درباره ی امیرالمؤمنین این را قائلند که این شخصیت عظیم، این انسان بی نظیر و این مظهر کامل اسلام، ذره ای و لحظه ای از متابعت پیغمبر اکرم سرپیچی نکرد ؛ تخلف نکرد ؛ کوتاهی نکرد ؛ از دوران کودکی، تا دوران نوجوانی، تا دوران ریعان شباب و تا آخر عمر، یك لحظه در راه مجاهدت برای خدا و برای اسلام و برای قرآن فروگذار نکرد.
پس این یك نکته است که ما - چه شیعه، چه سنی و چه مذاهب گوناگون بین این فرقه ها - بیائیم و امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) را ملاك و محور وحدت قرار بدهیم. امیرالمؤمنین مال همه است و خود آن بزرگوار هم شعارها و روشهائی را در زندگی مبارك خود دنبال کرده است که متعلق به همه ی انسانهاست، که درباره آنها عرض خواهم کرد. این یك نکته است.
نکته ی بعدی این است که محبت امیرالمؤمنین خیلی باارزش است. در روایت است که هرکسی محبت کسی در دل اوست، در قیامت با او محشور میشود. محبت خیلی حائز اهمیت است. اما محبتِ به تنهائی کافی نیست ؛ تبعیت و

پیروی کردن لازم است. ما که در دنیا به نام شیعه معروف هستیم، شیعه را اینجور معنا کرده ایم: «الشّیعة من شایع علیّا» ؛ باید دنبال او حرکت کنیم و هدفهای او را دنبال کنیم. معلوم است که ما با همه ی تلاش خود به رتبه ی امیرالمؤمنین نخواهیم رسید، اما به سمت آن قله باید حرکت بکنیم.
خب، حالا توجه کنیم که امیرالمؤمنین در زندگی پُربار پُرمضمونِ درس آموز خود، چه چیزی را در درجه ی اول اهمیت قرار داده است. یکی مسئله ی عدالت است که عدالت در سیره ی امیرالمؤمنین، شاید بشود گفت برجسته ترین نمودارهاست. مدارا نکردن با ظالم، همدلی با مظلوم و کمك برای گرفتن حق مظلوم از ظالم، چیزهائی است که در زندگی امیرالمؤمنین، در کلمات امیرالمؤمنین و در خطب نهج البلاغه، به وضوح در صدها نقطه، قابل ملاحظه است. به این جملات پربار امیرالمؤمنین توجه بفرمائید: «و اللّه لأن ابیت علی حسك السّعدان مسهّدا أو أجرّ فی الأغلال مصفّدا احبّ الیّ من أن القی اللّه ... ظالما لبعض العباد و غاصبا لشئ من الحطام» ؛ ببینید! آن نمودار و پیشانی حکومت امیرالمؤمنین این است ؛ یعنی اگر در سخت ترین شرائط زندگی قرار بگیرم، ممکن نیست که من اندك ظلمی به احدی از خلایق انجام بدهم و برای خودم حطام دنیا را جمع آوری کنم ؛ برای خودم ذخائر دنیوی را طلب بکنم. دنیا در چشم و نظر امیرالمؤمنین - به معنای آنچه که انسان برای خود از بهره های زندگی قائل است - بکلی مردود و متروك است. خطاب به دنیا می گوید «غرّی غیری» ؛ ای لذتها! ای زیبائیهای زندگی مادّی! برو دیگری را فریب بده ؛ علی را نمیتوانی فریب بدهی. این شعار امیرالمؤمنین است.
امروز در نظام اسلامی - نظامی که به اسم اسلام در این کشور تشکیل شده است - چه چیزی اهمیتش از همه بیشتر و حساسیّت نسبت به آن لازم تر است؟ عدالت. یعنی اگر امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) در زمان ما و در این جامعه و در میان این مردم - که اینجور عشق خودشان را نسبت به آن بزرگوار ابراز میکنند - حضور میداشت، چه چیزی را بیشتر از همه چیز دنبال میکرد؟ یقیناً عدالت. عدالت خواسته ی یك جماعت خاصّی از مردم یا اهل یك کشور و اهل یك ملت نیست ؛ عدالت خواسته ی طبیعی و تاریخیِ همه ی آحاد بشر در طول تاریخ بشریت است.
همان چیزی است که بشر تشنه ی آن است و جز در حکومت انبیاء عظام الهی - آنهائی که به حکومت رسیدند - یا اولیاء برجسته مثل امیرالمؤمنین، عدالت به معنای واقعی کلمه اجرا نشده است. دنیاداران و کسانی که دلهاشان پر از هوس به دنیا و شئون مادی دنیاست، نمیتوانند عدالت را اجرا کنند. اجرای عدالت یك روح غنی، یك اراده ی قوی و یك قدم ثابت لازم دارد. ما باید همه ی تلاشمان این باشد که بتوانیم در این راه دنبال امیرالمؤمنین حرکت کنیم. اعتراف میکنیم که نخواهیم توانست مثل علی بن ابیطالب، عدالت را اجرا کنیم ؛ این را قبول داریم. ماها کوچکتر و ضعیفتریم از آنکه بتوانیم آن جور استوار - مثل فولاد، مثل صخره - در مقابل این امواج بایستیم ؛ اما بقدر خودمان باید تلاش کنیم.
امیرالمؤمنین از عمّال خود هم مطالبه ی عدالت میکرد ؛ با اینکه آنها در حد امیرالمؤمنین نبودند. پس تکلیف اجرای عدالت بر دوش ما هم هست ؛ باید دنبال بکنیم. این چیزی است که مردم باید بخواهند ؛ باید فرهنگ عمومیِ ملت ما بشود. مردم ما باید بیشترین چیزی را که میخواهند، عدالت و انصاف باشد ؛ هم در امور داخل کشور، هم در مسائل جهانی. این بی عدالتی ای که در دنیا امروز وجود دارد و این ظلم فاحشی که امروز از سوی قلدرها و گردن کلفت های عالم نسبت به بشریت و ملت ها دارد انجام میگیرد، مبارزه ی با یك چنین منکر عظیمی - از نظر مسلمانی که برای حاکمیت اسلام و در سایه ی جمهوری اسلامی زندگی میکند - باید یك فریضه ای محسوب بشود. این باید در زندگی ما، شعار ما باشد ؛ هم در مسائل داخلی، هم در مسائل جهانی.
اگر بخواهیم این عدالت را اجرا کنیم، قدم اول این است که ما به کمك الهی اعتماد داشته باشیم و رابطه ی دل خودمان را با خدا محکم کنیم ؛ اینجا میرسیم به مسئله ی دعا، عبادت، تضرّع، مناجات و توسّل باللّه. ماه رجب، بهار عبادت و تضرّع و توسل الی اللّه است. این ایام عبادت را - این ماه رجب را، ماه شعبان را و بالاتر، ماه رمضان را - دست کم نباید گرفت. ما اگر بخواهیم در میدانهای زندگی، آن راه مستقیم و صراط قویمی را که اسلام به ما نشان داده است با قدرت طی کنیم، احتیاج داریم که رابطه مان را با مبدأ اعلی، با حضرت باری تعالی محکم کنیم. این رابطه با دعاست، با نماز است، با اجتناب از گناه است. لذا شما ببینید امیرالمؤمنین - آن مرد شجاعِ استوار قوی ای

که شجاعت او در میدان جنگ جزو مشهورات عالم است که هیچ کس در او اختلاف ندارد - او وقتی در محراب عبادت قرار میگیرد، «یتململ تململ السّلیم»، مثل مارگزیده به خود می پیچد ؛ اشك میریزد ؛ گریه میکند ؛ پیشانی به خاك می ساید. دعای کمیل و این مناجات شعبانیه ای را که منسوب به امیرالمؤمنین است نگاه کنید ؛ ببینید چه تضرّعی میکند این انسان بزرگ و والا در مقابل پروردگار! این برای ما درس است.

من خدا را شاکرم که می بینم مردم ما و بخصوص جوانان ما، دلشان به سمت معنویت، به سمت خدا، به سمت دعا و به سمت تضرع متمایل است. امروز روز سیزدهم رجب است ؛ روز شروع اعتکاف است. شما ببینید هزاران نفر جوان ما، امروز رفته اند و در مساجد گوناگون - در سرتاسر این کشور - نشسته اند و مشغول اعتکاف شده اند ؛ با دهان روزه، با شکم خالی و لبهای تشنه، در این هوای گرم با خدای متعال تضرع میکنند و حرف میزنند. این خیلی ارزش دارد ؛ این اعتکاف را ملت ما خیلی قدر بدانند.

من همین جا به مسئولین مربوط - در این امور اعتکافها - یك سفارشی بکنم: اگرچه که اجتماع هزاران نفر در جاهای مختلف یك فرصت خوبی است و شنیده ایم بعضی از مسئولین مساجد، در این فرصتها برنامه های جمعی ای میگذارند که مثلاً افراد، بیشتر استفاده بکنند ؛ لکن من میخواهم عرض بکنم این برنامه های جنبی مراکز اعتکاف، جوری نباشد که با خلوت هر کدام از معتکفین منافات پیدا کند. این اعتکافی که جوانها انجام میدهند، در واقع دارند با خدا خلوت میکنند. اعتکاف بیشتر یك کار فردی است ؛ ایجاد یك ارتباط با خداست. جوری نشود که برنامه های جمعی این مراکز اعتکاف، حال خلوت و حال ارتباط فردی و قلبی با خدا را در افراد ضعیف بکند یا بگیرد. مجال بدهند ؛ وقت بگذارند ؛ بگذارند این جوانها قرآن بخوانند، نهج البلاغه بخوانند، صحیفه ی سجادیّه بخوانند.

بخصوص من در این ایام اعتکاف، صحیفه ی سجادیه را توصیه میکنم. این صحیفه ی سجادیه واقعاً کتاب معجزنشانی است. خوشبختانه حالا ترجمه هم شده و ترجمه هائی هست. سال گذشته ترجمه ی خوبی از صحیفه ی سجادیه را به من دادند و آن را دیدم ؛ ترجمه ی بسیار خوبی است. از این معارف موجود در دعاهای حضرت علی بن حسین (سلام اللّه علیه) در صحیفه ی سجادیه، استفاده کنند ؛ بخوانند ؛ تأمل کنند. اینها فقط دعا نیست ؛ درس است ؛ این کلمات امام سجاد - و همه ی ادعیه ای که از ائمه (علیهم السّلام) مأثور است و بدست ما رسیده است - پر است از معارف.

پس ماه رجب است، ماه عبادت است، ماه توسل به پروردگار است، ماه تضرع است ؛ و در این راه، ماه تشبه به امیرالمؤمنین است. با خدا ارتباطمان را قوی کنیم تا در میدانهای زندگی بتوانیم با اراده ی محکم، با قدم استوار و با ذهن روشن، وارد هر میدانی بشویم. یك ملت برای اینکه بتواند سیادت و عزت خود را بدست بیاورد ؛ باید اراده ی مصمم داشته باشد و بداند چه میخواهد و قلب او مطمئن باشد به یاد خدا.

امروز ملت ما بخاطر اسلام با چالشهای جهانی مواجه است. اسلام به ما تعلیم داده است که اگر میخواهید صراط مستقیم را طی کنید و اگر میخواهید به سعادت دنیا و آخرت برسید، بایستی مستقل باشید و زیر بار قدرتهای ظالم و مستکبر و ستمگر نباشید. این همان نقطه ای است که بین ملت ایران و دشمنان ملت ایران اختلاف ایجاد کرده است. اساس اختلاف اینجاست. ملت ایران میخواهد زیر بار قدرت استکبار نباشد ؛ میخواهد منافع خود را قربانی منافع استکبار نکند. آنچه که استکبار جهانی - و امروز در رأس همه امریکا - دنبال آن هستند، درست نقطه ی مقابل همین مسئله است. آنها هدفشان این است که منابع ملتها، عرصه ی زندگی ملتها و امکانات ملتها را به نفع خودشان مصادره کنند ؛ همه ی داعیه ها و شعارهای به ظاهر انسانی آنها دروغ محض است و هدف واقعی همین است. لذا اگر یك ملتی بخواهد واقعاً مستقل زندگی کند - نه «فریب استقلال» ؛ مثل بعضی از کشورها که ظاهرشان مستقل است، اما در واقع استقلال یك فریب است و در باطن توی مشت ابرقدرتها هستند - آبش با ابرقدرتها به یك جو نخواهد رفت.

خب، یك چنین چالشی در مقابل ملت ایران قرار دارد. ملت ایران اگر بخواهد در این چالش موفق بشود و عزت خود و استقلال خود را بدست بیاورد، احتیاج به اراده ی مستحکم و قدم استواری دارد ؛ بحمداللّه در این دو سه دهه ای که بر عمر انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی گذشته است، ملت ایران ثابت کرده است که در مقابل قدرتهای متجاوز و

زورگو و زیاده طلب، محکم ایستاده است. این ایستادگی - که عزّت ملت ایران و عزّت اسلام است - با توکل به خدای متعال، با استمداد از قدرت الهی، با اتکاء به خدا و اتکال به پروردگار، میتواند ادامه پیدا بکند.
ابرقدرتها خصوصیتشان همین است که سعی میکنند ملتها را با ارعاب، با تهدید و با ترساندن، از میدان خارج کنند ؛ میدانند که با ملتها نمیشود کشتی گرفت. قدرتهای استکباری، دولتهائی را که متکی به ملتها نیستند براحتی میتوانند جابجا کنند ؛ کما اینکه می بینید در خیلی جاها این کار را میکنند و در خیلی جاها هم تهدید میکنند و تهدیدشان مؤثر واقع میشود. اما استکبار با آن دولتی و با آن نظامی که به مردم، به اراده ی مردم، به عواطف مردم و به ایمان مردم متکی است، نمیتواند مقابله کند. چون مقابله ی با مردم و با ملتهاست.
از اول پیروزی انقلاب تا امروز، امریکا - که با انقلاب، دستش از ایران کوتاه شده بود - بارها و بارها سعی کرده است نظام جمهوری اسلامی و مسئولین کشور را با همین ارعابها و با همین تهدیدها از میدان خارج کند ؛ اما موفق نشده و بعد از این هم موفق نخواهد شد. چون نظام جمهوری اسلامی متکی به آراء مردم است، متکی به عواطف مردم است ؛ حماقتهائی که ابرقدرتها و سیاستمداران برجسته ی عالم خوار گاهی در مواردی مرتکب میشوند، واقعاً انسان را به تعجب وادار میکند. حالا میگویند در مقابل جمهوری اسلامی، بایستی ما مردم را بسیج کنیم تا در مقابلِ نظام اسلامی بایستند! پول خرج میکنند، میلیونها دلار تصویب میکنند، برای اینکه مردم را در مقابل جمهوری اسلامی قرار بدهند. خب، این حماقت محض است. این معنایش این است که مردم را در مقابلِ خودِ مردم قرار بدهند! مگر میشود؟ نظام جمهوری اسلامی عبارت است از همان ملت ایران. مگر میشود ملت ایران را علیه ملت ایران تحریك و بسیج کرد؟! آن روزی که یك نظامی از مردم منقطع بشود، بله آن نظام در تهدید است ؛ اما نظام جمهوری اسلامی که متکی به آراء مردم، متکی به عواطف مردم، متکی به ایمان مردم، متکی به حمایت قاطع مردم است، با یك چنین نظامی از این راهها نمی شود مقابله کرد. حالا تهدید می کنند ؛ بهانه می آورند ؛ گاهی مسئله ی هسته ای را بهانه می کنند، گاهی مسائل دیگر را بهانه می کنند.
من در مورد مسائل هسته ای عرض بکنم - بارها به ملت ایران عرض کردیم، بازهم عرض می کنیم - این دستاوردی که در قضیه ی فناوری هسته ای به دست ملت ایران افتاد، این یك دستاورد عظیم و تاریخی است ؛ و ملت ایران زیر بار منت هیچ کس هم نیست. این یك دانش بومی شده است ؛ این را استعداد و شوق و ذوق جوانان شما و درایت مسئولان شما برای ملت ایران به ارمغان آورده است ؛ مال ملت ایران است و هیچ قدرتی هم قادر نیست این امتیاز را، این فناوری را و این حق بزرگ را از ملت ایران سلب کند.
خوشبختانه مسئولین با جدّیت دنبال این قضیه اند. ما فرق می گذاریم بین آن کسانی و دولتهائی که از روی عناد با جمهوری اسلامی، می خواهند ملت ایران این امتیاز را نداشته باشد - مثل امریکا، که صریحاً می گوید ما با این که ملت ایران از این امتیاز برخوردار باشد مخالفیم - با آن کسانی که نه، می گویند بنشینیم با ایران درباره ی مسائل گوناگون - ازجمله درباره ی مسئله ی هسته ای - مذاکره کنیم تا اگر نگرانی ای وجود دارد، راهی برای رفع این نگرانی پیدا کنیم. حرفی نیست ؛ ما قبول کردیم با دولتهای اروپایی مذاکره کنیم. قبلاً برای ما مذاکره ی با آنها هم خیلی مطلوب نبود ؛ اما دیدیم اینها به ملت ایران احترام میگذارند، تجلیل می کنند، تصریح می کنند به اینکه ما حق ملت ایران را قبول داریم و از آن خطوط قرمزی که در نظر ملت ایران و مسئولین کشور هست، اسمی نمی آورند و اشاره ای نمیکنند ؛ گفتیم خیلی خوب ؛ مسئولین قبول کردند و مذاکره می کنند. منتها باید اروپائیها - که طرف مذاکره ی ملت ایرانند - توجه داشته باشند که مذاکره در صورتی پیش میرود که فضای تهدید بر مذاکره حاکم نباشد. ملت ایران، ملتِ غیوری است. ملت ایران خوشش نمی آید که بیایند تهدید کنند که اگر شما چنین کردید، ما چنان می کنیم! ما از تهدید بدمان می آید و ملت ایران زیر بار هیچ تهدیدی هم نخواهد رفت.
مسئولین کشور در قضیه ی هسته ای با درایت لازم دارند تصمیم گیری می کنند. مسئول پیشبرد و اداره ی این کشور، جلسه ی شورای عالی امنیت ملی است که رئیس جمهور محترم در رأس آن است ؛ اینها تصمیم گیر هستند. آنچه که در قضیه ی هسته ای از طرف رئیس جمهور و از طرف مسئولین مطرح و گفته میشود، مورد اجماع همه ی مسئولان این کشور است. این که دشمنان بخواهند از یك کلمه حرفی استفاده کنند و القاء اختلاف و شکاف بکنند،

یك تلاش ابلهانه است از سوی دشمن. رؤسای سه قوه جمعند ؛ نمایندگان رهبری هستند ؛ با فکر، با تأمل و با مسئولیت آدمهای کمر بسته و پا به رکاب، این قضیه را دنبال می کنند. مواضع جمهوری اسلامی مواضع روشنی است.

ما خطوط قرمز مشخصی داریم. اگر طرفهای مذاکره با احترام به ملت ایران، با احترام به شأن نظام جمهوری اسلامی و با رعایت این خطوط قرمز وارد مذاکره بشوند، مسئولین کشور ما مذاکره می کنند ؛ مشروط بر اینکه کسی نخواهد ملت ایران را تهدید کند. ملت در مقابل تهدید حساس است. این هم ما صریحاً گفته ایم: اگر کسی نسبت به جمهوری اسلامی ایران حماقتی بکند، جواب عملی جمهوری اسلامی ایران، جواب دندان شکن خواهد بود.

یك وقت برای حل مسائل و رفع مشکلات داخلی خودشان - چه امریکا و چه صهیونیستها که در داخل کشورشان مشکلات فراوانی به پر و پای اینها پیچیده است ؛ هم دولت امریکا، دولت بوش، بخصوص در نزدیکی انتخاباتی که دارند ؛ هم این رو سیاههای صهیونیست در فلسطین اشغالی - یك حرفی می زنند ؛ خب بگویند ؛ هر حرفی می خواهند بزنند، بزنند. یك وقت هم هست که به معنای واقعی کلمه می خواهند حماقت کنند. بدانند: آن دستی که به جمهوری اسلامی و به ایران عزیز تجاوز بکند، این دست را ملت ایران قطع خواهد کرد. فرقی هم نمی کند که این دست جنایتکار، در مسئولیت دولتی باشد یا نباشد ؛ اینجور نیست که بگوییم رئیس جمهور فعلی امریکا در این ماههای آخر ممکن است یك غلطی بکند و دردسرش بیفتد برای دولت بعدی امریکا ؛ نه، فقط این نیست. اگر کسی در این زمینه غلطی بکند، ملت ایران - حتی آن وقتی که او مسئول هم نباشد - او را مورد پیگرد قرار خواهد داد و بداند بطور یقین او را مجازات خواهد کرد.

خداوند متعال دلهای ما را با اتکال به خود روشن کرده است ؛ دلهای ما را پر از امید کرده است. ما یك لحظه از کمك الهی مأیوس نشدیم، و امیدوارم تا آخر هم یك لحظه از این کمك مأیوس نشویم. همانطور که فرمود «لا تیأسوا من روح اللّه» ؛ خدای متعال این ملت را، یك ملت با اراده، با شوق و امیدوار قرار داده است. و عزیزان من! برادران! خواهران! بخصوص جوانان عزیز! اگر می خواهید این اراده ی قوی و این روحیه ی پرنشاط در شما باقی بماند، رابطه ی خودتان را با خدا روز به روز مستحکمتر کنید ؛ با خدای متعال حرف بزنید ؛ مناجات کنید ؛ از خدا بخواهید ؛ از شرور و آفات به خدا پناه ببرید ؛ از خدای متعال کمك بخواهید. خدای متعال به شما کمك خواهد کرد. ان شاءاللّه جوانهای این مملکت روزهایی را خواهند دید که برای آنها به مراتب از روزهایی که گذرانده اند، شیرین تر و دلنشین تر خواهد بود. افق آینده ی جمهوری اسلامی افق روشن و درخشانی است. امیدواریم خداوند متعال ما را موفق بدارد که قلب مقدس ولی عصر (ارواحنافداه) را از خودمان خشنود و راضی کنیم و ارواح طیبه ی شهدا و روح مطهر امام راحل را از خودمان شاد و خشنود کنیم. والسلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته